

اطلاعیه هیئت مرکزی سازمان توفان

درباره مسافرت هواکوفونگ به ایران

و عقب ماندگی محکوم کرده است .
قیام قهرمانانه توده های مردم بخاطر آن آزاد بیاضستی
تیبست که شاه چنانچه میدهد به ملت آزادی ندارد ، بخاطر سرنگون
ساختن رژیم جبار و مستکبر گیتی است ، بخاطر برانداختن
سلطه دودمان فاسد پهلوی و درازمان شاه است ، بخاطر
پایان بخشیدن به وضع خراب و ناپستیمان آمیزی است که
نتیجه استیلا امپریالیسم بر کشور ما است .
خلق های ایران شاه را خوب می شناسند ، دهها سال
است که او را آزموده و می آزمایند ، خلق های ایران که در گزیده
مبارزه آبدیده و آزموه شده اند خوب میدانند که آزاد بیای
شاه از چه فتنه است ، از چه منشی آب میخورد ، خوب میدانند
که این آزاد بیای فتنه بخاطر خاموش کردن خشم و کینه مردم
فروشانند ، مبارزه آنها ، حفظ و صیانت رژیم استبدادی گیتی
و استیلا امپریالیسم بر ایران است .
این آتش مقدس مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم خد نکستار
آنتست که در دلها زبانه می کشد و بصورت قیام عمومی تجلی میکند
خشم و نفرت مردم بطور مستقیم متوجه شاه و دودمان پهلوی
است ، قیام " مرگ بر شاه " در تمام بقیه در صفحه ۲

گارتام خلق بالا می کرد . جنبش انقلابی ایران بسط
بالتری ارتقا ، بی باد و تمام شهرهای ایران را در بر میگردد .
قام توده های مردم همه جا بجز کشیده میشود ، هر روز قیامی
های تازماید میدهد ولی نظاهرات همچنان ادامه دارد ،
دانش آنها بیشتر از پیش گسترده میشود ، توده های مردم
با حسارت انقلابی ، بیشتر وارد عمل میشوند .
مذاوت ، گسترش دامنه قیام و بندت آن گواها تاقی است
بر اینکه میس ما رژیم خائن ، جنایتکار و فاسد شاه را دیگر
تحمل نمیکنند و تا زمانی که این دستگاه حور و ستم ، ایسن
دستگاه بیگانه پرست خانمان برانداز و تخامیان امپریالیستش
را سرنگون نسازد از پای نمی نشیند .
ینجا سال سلطنت دودمان ننگین پهلوی ، بیست و پنج
سال رژیم کودتا استقلال و آزادی ایران را بر باد داده ،
امپریالیسم را بر سرپهن و مردم ما مستولی گردانیده ، ثروت های
سرمزین ما را به تاراج غارتگران خارجی و داخلی سپرده ،
اقتصاد کشور را به ورشکستگی کامل کشانیده ، میهن ما را از
هستی ساقط کرده ، توده های مردم ما را از کینه حقوق فردی
و اجتماعی محروم ساخته و آنها را به فقر ، بیخانمانی ، بیسوادی

بناسبت ۲۰ سالگی رژیم کودتا

رژیم کودتا و مبارزات توده ها

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، صبح این روز با کارناوال مشتق ارانل و اوپاش به فرماندهی شعبان بی مخ و ملکا احتضاری آغاز شد و مقابله
ظهرامیوریش ستونهای ارتش به خانه درگردد ، نخست وزیر وقت پایان پذیرفت ، هیچ نیرویی در برابر ارانل و اوپاش به مقاومت برخاست ،
رهبری حزب توده ایران به اقدامات ضد دل بست و ضد قیامی تیز که حادثه را جری می کشد ، بکفرت بموقع آشوبگران را سرکوب نکرد و پس از آنکه
فرصت از دست رفت دیگر کاری از او ساخته نبود .

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، صبح این روز با کارناوال مشتق ارانل و اوپاش به فرماندهی شعبان بی مخ و ملکا احتضاری آغاز شد و مقابله
ظهرامیوریش ستونهای ارتش به خانه درگردد ، نخست وزیر وقت پایان پذیرفت ، هیچ نیرویی در برابر ارانل و اوپاش به مقاومت برخاست ،
رهبری حزب توده ایران به اقدامات ضد دل بست و ضد قیامی تیز که حادثه را جری می کشد ، بکفرت بموقع آشوبگران را سرکوب نکرد و پس از آنکه
فرصت از دست رفت دیگر کاری از او ساخته نبود .

امپریالیسم آمریکا با انجام کودتا بخشی از صنایع نفت ایران را در اختیار خود گرفت و این هدیه بود که آمریکا از همان آغاز جنگ جهانی
دوم در پی آن بود و هر بار مقاومت شرکت نفت انگلیس رو بر روی گردید ، مبارزه خلق های ایران برای کوتاه کردن دست امپریالیسم انگلیس از
نفت جنوب و سپس اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت ، انگلیس را در برابر آمریکا به تسلیم واداشت که طرح کسرسیم را پذیرفت و بخشی از
سهام شرکت نفت جنوب را به آمریکا واگذاشت . کودتای ۲۸ مرداد به این هدف آمریکا تحقق بخشید .

نیل به این هدف مستلزم سرکوبی و نابودی تمام نیروهای ضد امپریالیست و در وجه اول سازمانهای طبقه کارگر ایران بود . این امر
بامحوار بقایای ناچیز آزاد بیای و مکرانیک که هنوز برجای ماند بود ، با یورش به سازمانهای دموکراتیک و در وجه اول به سازمان های
سیاسی و صنفی طبقه کارگر و کشتار و حیثیت افراد پروژه اعدام های جمعی افسران سپه پرست و دلیر و ایجاد محیط اطراب عملی گردید .
بدون استقرار رژیم ارباب و ترور نیل به هدف نخستین امکان ناپذیر می نمود . خلق ایران که بساط محمترین پایگاه امپریالیسم را برچیده بود
نمیوانست بسپولت شاهد بر باد رفتن دست آورد های مبارزات طولانی خود باشد . کودتا بیروزیست . دولت درگردد ، سقوط کرد ، ولی
مبارزه خلق علیه امپریالیسم هنوز زنده و تسلیم ناپذیر بود . بدین درهم شکستن مقاومت متشکل توده های مردم امپریالیسم آمریکا نمیتوانست
در ایران پایه گذار تاخیر رسد به اینکه اثرات استیلا کامل خود را در آورد .

دست یافت برنمای نفت نخستین گام در راه تبدیل ایران به " اقتصاد سیاسی نظامی و فرهنگی امپریالیسم آمریکا بود ،
کشور باید ریح بصورت کشور تولید و هند مواد خام پروژه نفت ، بازار فروش محصولات صنعتی و کشاورزی امپریالیسم ، بهشت صد و سترهای
امپریالیستی و پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا و نیک کلام بصورت کشوری بنام معنی وابسته به امپریالیسم و بهره ای در دست امپریالیسم
آمریکا برای تأمین استراتژی خود در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس درآمد .

امپریالیسم آمریکا برای تأمین مقاصد استعماری خود بطور عمده به اعمال ترور و قهر احتیاج داشت تا در دل مردم رعب افکند و آنها را
از هرگونه مبارزه بازدارد . اعدام جمعی افسران رژیم ترور و ارباب را بنیاد نهاد رژیم را برای اضا قرار داد ننگین کسرسیم فراهم آورد
سین بساط سازمان امنیت و شنگه های غیر انسانی را گسترده که سراسر کشور و حتی خارج از کشور را در زیر بالهای شوم خود گرفت . از زمان
کودتا به بعد هرگز کشتار خلق قطع نشد ، در همه حارکبار گلوله سینه مبارزان را شگافتا است ، در اقتصادات کارگری ، قیام های دهقانی ،
تظاهرات خیامانی ، در میدانهای اعدام ، هیچیک از اشکال شکنجه نبود که به حیوانی ترین شکل آن در شکنجه گاه ایران مورد استفاده قرار
نرفته هیچ رفتار جنون آمیز نبود که مأمورین ساواک و پلیس ایران نسبت به مردم ما اعمال نکردند و هیچ شیوه ایجاد رعب و هراس نبود که در
قتال توده های مردم ما بکار نرفت .

در کارگران اعمال اهریمنی ، قوانینی که با دست و زلفهای یونانی گذشت ، مقرراتی که بصورت رسید آزادی های فردی و اجتماعی
اثری برجای نگذاشت . حتی برخورداری از امنیت جان و مال و ناموس از جامعه ما رخت برپشت . امپریالیسم و خد نکستار فریبناش بخيال خود از
ایران " جزیره ثبات و آرامش " ساختند .

تجربه تاریخ نشان میدهد که حکومتی که در برابر اراده خلق قرار میگیرد و به فشار و اختناق متوسل میگردد در تری نمی باید . چنین
حکومتی مقاومت در برابر خود را سازمان میدهد و بیوسته شدت می بخشد . تشنه مبارزه طبقه کارگر را امید اراد که برای حفظ وادامه حکومت
گاه گاه به اقدامات رفرومیستی دست زند ، توجه توده ها را از مبارزه بگرداند و در صفوف مبارزان کجراهی و سردرگمی زرا کند که بد آورده
" بورژوازی در تمام کشورها برای دفاع از منافع خود و حراست سلطه خویش از دست حکومتی ، در شیوه مبارزه استفاده میکند ،
شیوه هایی که گاهی یکی پس از دیگری می آیند و گاهی به اشکال گوناگون در هم می آمیزند : نخست شیوه اعمال قهر که عبارتست از اختناق از
هرگونه گشت در برابر جنبش کارگری ، نگاهداری همه مؤسسات کهنه و منسوخ و زنی بی بربرگر هرگونه
بقیه در صفحه ۲

« فضای باز سیاسی »

بار دیگر تظاهرات آرام در ماه هزارم مردم دراصفهان ، تعدد
فراوانی کشته و مروح برجای گذاشت و در این شهر حکومت نظامی
اعلام کردید ، وارد یکروزیم حیره حیوانی خود را نشان داد ،
نشان داد که تمام داد و دریا د هائی که در زمینه برخورداری مردم
آزاد بیای دموکراتیک بره انداخته چیزی جز بیرونی و فوفا میس
نیست و " فضای باز سیاسی " که سر دمه اران رژیم و طبیعت مردم
درباره آن زیاد پرکوشی میکند چیزی جز توطئه و دسیسه بخاطر در
بند نگذاشتن آزادی در زمین تظاهرات نیست .
رژیم شاه برای خاموش کردن جنبش انقلابی توده ها و دران
نمای دموکراتیک به استبداد فاشیستی در واقع از کسرسیم است
که " فضای سیاسی " را " باز " میکند و مردم آزادی میدهد اما از
سوی دیگر همان " فضای باز سیاسی " را به چهارچوب فضای تنگ
آزادی گیتی رژیم محدود میکند .

حالب توجه است که همه کسانی که تا دیروز زانهارا بسته
و ظم ها را شکسته بودند امروز ناگهان هوادار و آتشه " فضای
باز سیاسی " آزاد گردیدند و حتی برخی از اعضای عالی رتبه
سازمان امنیت در فواید و شرایط " فضای باز سیاسی " داد سخن
میدهند . گروه " اندیشمندان ، رستاخیزی " که در اس آنیسا
رئیس دفتر فوج قرار دارد ظم بر دست میگردد و تفصیل درانتقاد
از دولت مینویسد . در همین مجلس فرمایشی مرکب از " نمایندگان
حزب رستاخیز گردید بقول مخبر خیرگزاری روستر " فقط محمسی
برای تأیید کردن " بود اکنون نمایندگان پیو امیونند که سر به
مخالفت با لویج دولت بر میدارند ، بیاد " حزب سازی " و
حزب سازی " می اوینند و اینها همه بخاطر اینکه " شاهنشاهی
که میخواهند پارلمان که تاکنون محمسی برای تأیید کردن بوده و
همچنین حزب رستاخیز ، طیف بازاری از نظرات را داشته باشد و
تبدیل به نیروی سیاسی فعالتر برای بحث و گفتگوی عمومی شود . . .

(روستر) . قلابی بودن و ساختگی بودن جریاناتی که اکنون با دست
شاه امپریالیسم در ایران میگردد از همین جا هویدا است . شاهنشاهی
چنین میخواهد و چنین نیز میشود و نیت پلید وی آنتست که دهها سال
مبارزه خونین قهرمانانه مردم را پایک خیمه شب بازی " آزادی " و
" فضای باز سیاسی " پایان دهند . توضیح مضامینی که در اصطلاح
" فضای باز سیاسی " ریخته میشود و شرایطی که برای تحقق آن تدارک
می بینند مفهوم آزادی را در قاموش رژیم شاه روشن می سازد .

بشما شکونند " فضای باز سیاسی " به این معنی است که
" مردم آیدند از فتنه جمجمه ارزند ان دل " کتاگونی در آن محسوس
بوده و بتواند آزاد اندر رضائی باز سروراز آید و هر آنچه که در دل
دارد بر زبان آورد و بعبارت دیگر افراد جامعه اکنون این حق را
خواهند داشت که زبان به انتقاد بکشایند و اگر خود آنها بکشایند
دولت و سازمان امنیت انتقاد را سازمان خواهد داد برای آنکه
همه حیوانان بدانند که در امر آزادی بیان محترم بشود .
سندود جمع آوری کتاب " درد اهل ظم " از کتاگونی عاگوا ه
برای امر است که آزادی بیان و آزادی و انتقاد فقط در آنجود وی
محاز است که رژیم صلاح می بیند .

بشما میگویند " فضای باز سیاسی " بیاس معنی است کتاگونی
و احتفالات آزاد خواهد شد ، انتخابات آید " صد در صد " آزاد
خواهد بود و ظم نویسنده هر طرک کتاگونی میتواند بروی صفحه
کافت روان شود . اما . . . و جمعی دیگر در روی این " ایام
دارد . اما این آزادی باید بر طبق قانون باشد . آنها باین سهانه
که آزادی مطلق وجود ندارد و نمیتواند وجود یاشته باشد ، برای
آزاد بیای دموکراتیک محدودیت هائی قائل میشوند و این محدودیت
ها منحصره آنچه که در قاعده اساسی آمد نخواهد ماند . در نتیجه
تمام دستک های اجرائی و قضائی بکار افتاد ماند برای آنکه سازمانها
لویج و قوانین مربوط به استفاده از آزادی بیای دموکراتیک را تدارک
نه بینند و از تصویب مجلس بگذرانند .
بقیه در صفحه ۲

پیروز باد مبارزات قهرمانانه توده های مردم !

نقد و نظر بر سیاست خارجی ایران

روزیم کوبوتا و... بقیه از صفحه ۱

یعنی شیوه، احوال، تدابیر و سیاست خارجی خود را در جهت رفاه و آسودگی ملت و غیره.

گذاشته و روزی از یک شیوه به شیوه دیگر محصولی محاسبه بدخواهانه پاره ای افراد با محصول تصادف نیست، نتیجه تصادف است.

موقعیت خاص ایران است.

هدف مسلم و واقعی سیاست لیبرالی بورژوازی، بگفته پانته کوه عبارتست از سرنگ کردن کارگران، ایجاد انشعاب در صفوف آنان، تبدیل سیاست کارگران به دنباله و امانده، باصلاح سیاست رفورم که خود همیشه دست و پا کرده است (ولین).

امیرالیسم آمریکا در کنار اعمال قهر و ترس این شیوه را نیز در ایران بکار گرفت و شاه با الهام از آرای خود در نخستین سال دهه چهل شمسی بیک سلسله رفورم هایی دست زد که "اصلاحات ارضی" در رأس آنها قرار داشت. این رفورم عا در درجه اول مقاصد سیاسی را دنبال میکرد. هدف آنها سرنگ کردن توده ها، برهم زدن صفوف طبقات ضد امیرالیسم، گشادن بخشی ارتود هاید نبال رفورم، جنب پشتیبانی آنها از رژیم و بازگرداندن آنها از مبارزه بود. تشکیل سپاه دانش بخاطر آن نبود که آموشن خط و سواد را به روستاها برساند، بخاطر آن بود که در هفتاد و این متحد طبیعی واید ارضی بکار گرفتند و رفورم و از رفورم افکار انقلابی بیروستاحلو کسید. البته نابودی رژیم آریاب - یعنی که مانعی بر سر راه توسعه بازار فروش در دهات است علی الاصول امکان میدهد که قدرت خرید توده های دهقانی افزایش یابد و شرایط لازم برای سرمایه گذاری در صنایع فراهم آید. "اصلاحات ارضی" شاه معضای بسیار کوچکی جنش ثروتمندی بیار آورد ولی هدف "اصلاحات ارضی" ویرانی دیگر از "انقلابات شش گانه" قبل از هر چیز سیاسی بود. رفقای بیت نامی بسدرستی میبینند:

"استعمار از نوع کهنه بانو، از نوع فرانسوی یا آمریکائی آن همیشه سیاست ارضی را - گاهی بطور موثر - مشابه وسیله ای مورد استفاده قرار میدهد برای آنکه دهقانان را از مبارزه انقلابی منحرف گرداند و صفوف جنبش انقلابی بدر آورد و انگار از این طریق انجام میدهد که با بیافق کوتاه مدتی برای آنها موافقت کند و لو آنکه بعد آنها را باین ستاند."

و بطور مشخص در مورد "اصلاحات ارضی" نیز از قول یک روزنامه ساکونی چنین میآورند:

"از سال ۱۹۲۷ یانگی ها که با وجود آرتن اعزامی نیم ملیونی جنگ را باخته بودند به این صورت بی بردند که حلیه مشابله در جنبه سیاسی از طریق رفورم ارضی - ادامه دهنده این ایده که توده های دهقان را بصورت خود جلب کند (تکیه بر ما است - توفان) "اصلاحات ارضی" در واقع به این منظور صورت گرفت که رژیم شاه و سلطه امیرالیسم را تثبیت کند و آنکه بازار وسیعتری برای

محصولات آمریکائی فراهم آورد، توسعه بازار در دهات یکی از نتایج تثبیت رژیم و انبساط در مقامی ناحیز می توانست باشد و پس سازمانها از همان آغاز تاسیس خود به درستی نوشتند "اصلاحات شاه" همیشه این منظور صورت گرفت که رژیم کوشی ایران را تثبیت شد و تحکیم نماید تا سلطه امیرالیسم بر بیهن مامحان استوار ماند و عارت ثروت سپن ما و استثمار خلق ما توسط امیرالیسم و نوکرانش همچنان ادامه یابد. خصلت خلفانی و نواستعماری این اقدامات بر هیچکس پوشیده نیست... این اصلاحات بدون آنکه گریه از کار توده های وسیع خلق بکشا بسود امیرالیسم و ارتجاع و غارت و تحکیم مواضع آنها است. (روز نیویورک د رتورنی و عمل)

اگر رژیم شاه با "اصلاحات ارضی" خود کوشید در دهقانان راستوی خود جلب کند و همین تلاش را با ماده "انقلابی" بسنگ کردن کارگران در رسد کارخانه، در مورد کارگران انجام داد در حالی که از همان موقع معلوم بود که تصویب این ماده به منظور فریب کارگران و استثمار هر چه بیشتر آنان توسط سرمایه های بزرگ خارجی و داخلی بود، کوشش در رخلب زنان از طریق ماده "شرکت زنان در انتخابات صورت گرفت، از آن پس هر چه مبارزه شدت گرفت، هر چه خیانت ها، دروغها و سیاه کاریهای رژیم بیشتر از بد و برون افتاد، هر چه مظاهر ترس و کوشی رژیم بیشتر بچشم خورد، بخاطر عوام فریبی گسترش یافت و برتر افتاد "انقلابات شاهانه" افزود که بیشتر آنها حتی از حد و حرف فراتر نرفته، در واقع هم عوام فریبی، کارزار تبلیغاتی وسیع به منظور فریب افکار عمومی، در روشنگری بخاطر انقلاب کارگرمی، از خصوصیات بارز رژیم کودتا است. گذرد ولی رامیثوان یافت که مانند ایران در روغ، جعل احبار و ارتام و آمار و رطب و اقصیت را تاد رجه سیاست حکومتی ارضی داده باشد. تبلیغات رژیم از صاحب های مطبوعاتی شاه و ارتقم و اشرف گرفته تا اخبارات مسئولین امور و اخبار و مقالات و مطبوعات مرد و زنان تبویستدر این تلاتین بونامند که سپاه زاسفید، خیانت را خدمت، وابستگی را استقلال، عقب ماندگی را پیشرفت، شکست را موفقیت و ورستی را اختلا بنمایانند و در حالی که ره آرتد ۴ سال خیانت رژیم کوشی را تا آخرین جز مغربیت آزادی و استقلال، بتاراج رهن تروپهای طبعی و ورستی کوشی کامل اقتصادی، فقر و عقب ماندگی و محرومیت از کلبه حقوق فردی و اجتماعی نیست و امروز این واقعیات مانند خار در چشم فرو میزند. زمانه را ایران هنوز هم دست از تبلیغات بر زمین اند.

تعلیقات توفان فریبانه، شاه عموخته بر محور "استقلال و - ترقی - در ورستی" استقلال در زمینه سیاسی واید تئولوژیک (سیاست مستقل و ملی، طرز هرگونه آید تئولوژی بگمانه)، ترقی، بورژوازی، زمینه اقتصادی که صنایع در مرکز آن قرار دارند، در واقع رژیم شاه چیزی را بصورت نیست میدهد که درست فاقد است. رژیم شاه بر اساس ماهیت ولت وجودی خود شد اساسی را میسر کند ایران است. اما منظور استعمار و پیشرفتهای عظیم، بهره در زمینه صنایع نام بریزد. خود را از این نوم آسیا مینماید، از صادرات ۲ میلیارد دلاری بازارهای آسیا محبت میکند، بی وفا حتی کم نظیر "دروازه های تمدن بزرگ" را ویده میدهد. اما "صنایع عظیم" ایران که انبساط و راجی ها و یاه کوشی های ایران استوار است چیزی جز "صنایع پوتناژ" نیست یعنی شعبی است از موسسات صنعتی شرکتهای بزرگ که هدف آنها خونگیری از صنعتی شدن کشور با وابستگی ایران و وابستگی بیشتر ایران به امیرالیسم است؛ صنایعی است که در انطباق با نیازهای تکامل جامعه مانیت، این امیرالیسم است که تضمین میکند چه صنایعی در شرایط ایران برای آن سود آوار است و همان را به ایران تحمیل میکند، صنایعی است که گردن آنها در دست خود شرکتهای امیرالیستی است، همروم که بسود امیرالیسم باشد کار میکنند و واحد اکثر طرفیت کار میکنند و آنجا که سود امیرالیسم ایجاد کند، بهره برای حفظ بازار سپاه و قیمت های انحصاری با نظرفیتی کتر بگرمی آوشتند تا عارضه نقلی یابد و قیمت ها بالا رود و بالاخره هر زمان که شرکتهای موسس، ادامه کارگران را بران بصلاح خود سینند آنها را از کار جدا کنند. این صنایع جای آنکه بسه پیشرفت کشور یاری رسانند در خدمت عقب ماندگی آن خواهند بود، آنها است ناره ای از خصوصیات صنایع مونتاز که شاه آنها را پیشینه رسیدن به "دروازه های تمدن بزرگ" جلوسید هد.

ماهیت رژیم که بدنبال کودتا در ایران استقرار یافت هر چه کس معلوم بود، مبارزه علیه آن نزار همان آغاز استقرار رژیم آغاز شد. نه ترور و اغاب مقاومت خلق را بر هم شکست و نه افسون رفورمهای شاه و تسلط عوام فریبانه رژیم در توده های مردم کار گرفتاد. مبارزه با رژیم نواستعماری در تمام اشکال خود نه تنها ادامه یافت بلکه همواره شدت گرفت. این مبارزه اکنون سرسرایران را در بر گرفته و بد اوم و بی گرامی در ارد و ارگان رژیم کوبد تا سلطه امیرالیسم را به فروریختن تهدید میکند. تمام تصدیقات و نوظه های که اکنون به نام رفاه از حقوق بشر، "فضای باز سیاسی"، "اعطاء" "آزادیهای دموکراتیک" و غیره در شرف انجام است از همین جا ترجمه میگردد.

امیرالیسم آمریکا که شیوه ترور و احتقار رای اشری بیند به گذشت تازمان تن در میدهد و آن حدت تغییراتی صوری در شیوه های فانیستی است که هدف آنها باز هم حفظ رژیم و استیلا امیرالیسم آمریکا است. "فضای باز سیاسی" و نتایجی که بر آن مترتب میشود بر مردم شاه نیازی به دموکراتیک خواهد بود.

بورژوازیست های ایرانی که در گذشته بر رفورم های شاه حقه گذاشتند و آثار استودن این بارز توطئه شاه و امیرالیسم که در راهی فعالیت مخفی نیمه علقی و ظنی را بر روی آنها خواهد نمود - چنانکه آثار آن از هم اکنون هوید است - استقبال خواهند کرد، آنها بدون آنکه نیازی به "جبهه جدید دیکتاتوری" داشته باشند به هدف خود دست می یابند.

اما خلق های انقلابی ایران همانگونه که در گذشته در دام "انقلابات شاهانه" نیفتادند، در دام "آزادیهای" اهداتی رژیم نیز نخواهند افتاد. آنها حوید میداند که جزایر براند آشن طبعی رژیم ضد ملی و فانیست شاه و حامیان امیرالیسم آن، امکان برخورداری از آزادی و استقلال و ترقی نیست. آنها باید از بدام خلق های ایران در تمام رزایای کشور بیگانه گشته که به قیمت جان هزاران فرزند خلق تمام شده حاکم ازمطامعت اراده مردم ما و ورچیدن بساط رژیم نواستعماری سلطنتی و امیرالیسم حامی آن نیستند.

اطلاعی به... بقده از صفحه ۱
برای سرگویی نظام، شاه و در سراسر کشور حشام چون تبارک می بیند و علنا نیت یلید و حشامی حشام را برزیا آورد.

و درست در همین موقع است که رئیس حزب و دولت چین به ایران می شناید تا بدست شاه را که تا موقوف بخون کارگران دهقانان، مردان و زنان و جوانان آشفته است بکشاید، از "سیاست مستقل وطن شاه" از "بیشرف های عظیمی که تحت رهبری شاه" در ایران صورت گرفته، از "رفاه و آسایش" که بر اثر فعالیت های "ملوکانه" بصورت خلق ایران شده چنینش کند، پشتیبانی دولت و حزب چین را از رژیم شاه بار دیگر اعلام نماید و بدین ترتیب دشمنی خود را با خلق های ایران و بیگانه بر آنها علیه رژیم بزرگی استثمار که شاه ابزار احراری است علنا ابراز دارد.

سفارت هوا کوه فنگ به ایران و ملاقات او با شاه در این موقع حاد و تاریک در هر کجی به خلق های ایران است، نمونه شخصی از سیاست خارجی کوشی چین است، سیاسی که برولناریا و خلق های تحت ستم را به پشتیبانی از بورژوازی امیرالیستی و ضد شکراران آن فرآ میخواند، سیاسی که هدفش حفظ امیرالیسم و سکهای زخمی آن از قاش شاه، نیویوت و حفظ و صیانت استثمار نوین و ستم ملی و تکلیفاتی استثمار سرمایه داری است.

زمانی در لنینا حش و حزب کمونیست چین بر خلق ها و مبارزه انقلابی آنها تکیه داشت و آنها را مبارزه علیه امیرالیسم سوسیال امیرالیسم و سکهای زخمی آنها فرآ میخواند، زمانی حزب کمونیست حش و دولت چین آزادی و استقلال خلق ها را مقدم بر هر شمر و خلق ها را بقا زره بخاطر نیل به آن دعوت میکرد، زمانی حزب کمونیست حش و دولت چین به خلق جیس می آوخت که تلاتین روز رهبری او در تمام زمینه های اجتماعی بخاطر انقلاب جهانی است، اما رهبری کوشی چین سنت های انقلابی خلق چین و حزب کمونیست چین را از سر گذاشته از دروغ و با امیرالیست ها از سکهای زخمی آنها درآمده و موضع مشخصی با خلق ها و دشمنی با انقلاب را اتخاذ کرده است، رهبری کوشی حش اکنون "داعیه" قدرت بزرگ " را در سر پیروانند تا در حرکت قدرت های بزرگ در آید.

آما سعادت رئیس حزب و دولت چین و ملاقات او با شاه در این موقع تحروانی نشانی از بی افتخاری به خلق های ایران و توجه به شاه است در حش مردم و ضد شکراران امیرالیسم خلق های ایران این تردید "زیارت بارگاه شاه" را توسط رئیس دولت و حزب حش تا قدرت و انزجار عینی تلقسی میکنند و امروز پیش از هر موقع دیگر به این حقیقت می میرند که تنها در موشی و همسنگی خلق ها، و از آنجمله خلق های چین و ایران، در مبارزه با امیرالیسم و ارتجاع است که ضامن رهایی آنها از ستم ملی و وظیفاتی است، ضامن آینده و شکوهند آنها است.

نشانه...
۱۳۵۷ = ۱۷ اوت ۱۹۷۸

فضای... بقیه از صفحه ۱
داشت که این لویج و توانی آزاد بهای دموکراتیک راه هیچ ندان خواهند کرد.

تاریخ ایران نامیوز که چگونه ارتجاع برای جلوگیری از برخورد مردم آزاد تبهایی دموکراتیک از محدودیت های مصر در قانون اساسی استفاده کرده است. اکنون بر این باوریم که در هر یک از اینها دیگر افزود و نخواهد شد. فی المثل جناح بر طبق قانون اساسی نخواهند دست به تظاهرات بزنند باید "نحوه تظاهرات" تماماً شرکت کنندگان در تظاهرات و ساعت مورد نظر و حتی شاید آسای شرکت کنندگان را به اطلاع پلیس رسانند و کس اجازه کند، اند پس به بنانه های کوناگون مستثانه از حد و احوال ارتجاع کند و بغرض صد و اوجازد چنین تظاهراتی فقط بدرد سازمان امنیت میخورد. در مورد آزادی مطبوعات بنا به نوشته یکی از روزنگاران دربار و سازمان امنیت "موجب قانون حد به نوشتن یا بحش یک قدم مانند سابق اختیاریست و وزارت اطلاعات می اوفتد." با در مورد قانون حد به انتخابات شاه در سخنرانی خود مناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت صریحا میگوید که انتخابات "حمد درد" آزاد خواهد بود تا همه جهانسان بداند که مخالف رسد تا حد اندازه اند که این کشور شاه باین

نقد در صفحه ۳

بوزروزی و... بقیه از صفحه ۱. بینه های قاچاقچی ازبکستان
 هوایی روسی ایرو فلان در روزینه حمل و نقل مواد مخدر به
 جسته زیرا با تطبیق مأموران گمرک و برق در راهای آمریکا آسان به
 راحتی محموله های غیرمجاز را می گذرانند.
 اما نباید ازمان در انت که فضای آزاری اعتبار در کشورهای
 تحت سلطه امپریالیسم به مراتب چیزی خشن تر و هولناک تر
 بخود دارد. فرهنگ شطرنج سرمایه داری که انعکاسی از جامعه
 فوتوت و درآستانه اختلال امپریالیستی است با شش تیرین
 شمشیرترین و گستاخترین وجه خود در زاین کشورهای تحمیلی گذرد
 در ایران بر اساس آثارهای رسمی در عرض هفت شان گذشت
 تعداد معتادین به مواد مخدر ۳۰٪ افزایش یافته تعداد انسانی
 معتادان بر اساس اظهارات روزنامه های درباری بالغ بر ۸۰۰
 هزار نفر گردیده است که بزرگترین آلودگی می باشد. ۳۰ هزار نفر
 که بطور غیر قانونی به مغزهای مواد مخدر پی برده اند و افزوده گردیده

در واقع در سپهر ماه بطور متوسط از هر نفر یک کفزه مواد مخدر
 معتادین باشند.
 آنچه که روشن است اعتبار دینی از نتایج ناگزیر علاج ناپذیر جامعه
 منطبق سرمایه داری است. بوزروزی در مقابل جوانان بیرونلاریا بر
 فرار از نشتیها و نابرابریها، ستم و استثمار جامعه سرمایه داری دنیا
 تحلیلی و آتی نمایانند. اما اعتبار دینی را قرار میدهند، روشن است که
 طبقه حاکمه هیچ راهی از خیل معتادین نداشته زیرا یک انسان
 تخدیر شده در واقع مغلوب استثمارگران و دشمنان شریک میباشد
 بوزروزی از اشاعه مواد مخدر هدفی خنثی نمودن، رحمت
 و سستی نوده های تحت ستم و استثمار را دنبال میکند. امری که به
 حفظ وضع موجود یعنی ادامه دیکتاتوری بوزروزی می انجامد.
 واقعیت در هشتاد و یکر جامعه سرمایه داری آنکه مصرف قرصها
 مخدر چینی و الیوم، قرصهای خواب و اعصاب و دیگرها باعث روانی
 دیگر سرعت و ریاضت بزرگسالان افزایش می یابد.

در هر مکان که بتأمین انقلابی، بیانشی که بخواند بفر
 برای در هم شکستن جامعه بوسید و سرمایه داری سستی گرد
 شود، سود اکران مرگ با نیات شوم و مظاهر سود جویانه به آنجا
 هجوم می آورند. تلنور بازار چین امری در اواسط سالهای ۱۹۶۰
 در آمریکا مشاهده میکردیم. زمانی که هزاران هزار نفر از خود به هلی
 تحت ستم در مناطق فقیرنشین چون وائش، در نیویورک، میشیگان
 قیام کرده و فریاد اعتراض خود را بلند کردند در قیامین از اسلحه ای
 فوق بود که ماشا همدار خود انواع متنوع مواد مخدر و آنها را بنا
 نازلتر از قیمت اصلی آن در اختیار جوانان و برادر این مناطق میباشد
 در ولت سرمایه داری عمدتاً درین منبع بخش متواد مخدر و می باشد
 سالهای خشک همد و حین ملواری و فاسد در اوقات این مدعی است
 حد بسیار جزئیهای ارتش آمریکا را از کوشش که ازبکهای مسلح برای
 حفاظت و گشت و بعل آوردن تیراک در این کشور استفاده نموده اند
 سولوان، شخصی که امروزه به سمت منجر آمریکا در ایران گمارده
 شده است کارخانه تباخی در زمینه ایجاد خشک تولید و سخن تریا
 و هر وقت در لافوس استفاده شده، با آمریکا ما هکلی مستقیم آری
 کلیه مواد مخدر تولید شده در همد و حین راه سایر نقاط حمل و نقل
 می نمود. در ایران نیز امروزه مانند آن مقهور و سانه بکلوی در تریا
 سر نیزه های ارتش محمد رضا شاه هرساله. هتا... آرس
 تریاک تولید می نمایند و سود های سرشار از روانه بانکهای موسس
 می نمایند.

برای مبارزه با اعتیاد سیستم سرمایه داری میبایست مبارزه
 بی کسبست نظریه تمامی سیستم ستم و استثمار، سیستم بوزروزی
 انحصاری در دست مارت. تمامی این معاشات و نیلای این احتیاج که
 آبهووری جز سیستم سرمایه داری ندارد که در این عکس در رو
 سد ناند بر طرف از روشها و تاریخ خود نماند که به و جامعه و کشند و
 سوسیالیسم زدند آری گردند

"فضای... غیبه از صفحه ۲" فاطمت انیس در ایران
 که در سگاه حکومتی، سبب است مغرور است خود نشان میدهد که
 بر همان سوال سابق جریان جدا جود یافت میباشد آری هم
 مخالفان بریم در رصند و مبارجه جواد شد ما در براری از
 حوزه های انتخابی است. مخالفان امکان انتخاب شدن جواد
 در این برای آنکه بگوید این تمامی اگر بی عظم ملت موجود است
 اساساً صحبت از انتخاب آزاد، آسیم جد بر رسید بر روی
 پیش نیست. از زمانی که در دو مان بکلوی بر آریکه سلطنت ایران
 نشسته هیچگاه انتخابات مجلس بدون مداحی دولت و دربار
 صورت نگرفته است. و تا زمانی که در دو مان بکلوی برجا است
 "فضای باز سیاسی" حرف مفت است. با لولاس و لولاسی که در
 تنظیم و تصویب است تنگنای فضای سیاسی هرگز با نخواهد شد و
 این در دست همان چیز است که رژیم بر پی است. امپریالیسم
 میخواهد بر پی شاه همان سای در موگراتیک را به هد کشورهای
 عربی از زینت می پوشد. دموکراسی که شاه برای مردم در خطر
 گرفته فقط تظاهر به دموکراسی است. دموکراسی ساحتی است
 که فوانس و معرات خود را در است ولی در واقع در سطل همان
 شیوه های حکومتی گذشته با دست همان افراد سابق با افراد
 نازیب از فاشیستها بکار خواهد رفت. خلق ما روی آزادی نخواهد
 دید ولی امپریالیسم کشور ما را به "کشوری" دموکراتیک خواهد
 پذیرفت.
 البته این نقشه های شیطان امپریالیسم و شاه است ولی خلق
 ما با مبارزه خود تمام این نقشه را در هم خواهد ریخت.

"خلق های ستم دیده و مظلوم کشیده هرگز نباید برای
 کسب آزادی ختم آمدن به "حردمدی" امپریالیست ها و سگهای
 زنجیری آنها بدوزند. آنها فقط با حکم همسنگی و مبارزه بیکر
 خود میتوانند تباخید پیروزی را در آفتاب کشند."
 (مائوسه دون)

عنوان: 137 APEL ROAD FOREST - GATE
 LONDON E 7 ENGLAND
 حساب بانکی
 A.C No 1099461
 BARCLAYS BANK LIMITED
 WARDOUR STREET BRANCH
 183 WARDOUR STREET
 LONDON, W1V 4BE ENGLAND

را که در آن قریب چهارصد
 تن زنده و سوختند و جان سپردند. همان "وحشت بزرگ" نامیده. آیا جز این میتوان تصور کرد که این "وحشت بزرگ" که شاه
 اندکی قبل از وقوع آنرا پیش بینی کرد، بفرمان خود او و با دست مأمورین امنیتی او انجام گرفته است؟
 بنا بر خبر تلویزیونی آلمان غربی فاجعه آلمان شاه را بر آن دانسته که "آزادیهای اعطایی" خود را متوقف سازد. آنچه که شاه
 "آزادیهای اعطایی" میباشد چیزی جز تزویر و ریا نیست. شاه ابلهانه می پنداشت و می پندارد که میتواند مردم را قریب ده پایک
 نمای دموکراتیک مبارزه و تودمارها خاموش سازد. موقعیت خود و امپریالیسم آمریکا را تحکیم کند. اما مردم قریب "لیبرالیزاسیون" او
 را نخوردند و مبارزه ادامه یافت و باز این پس نیز با سرسختی ادامه خواهد یافت.

بدر آزاد بیخشم، پسر اشغالگر

ده سال پیش ارتش شوروی همراه ارتش های کشورهای پیمان ورتو، از راه هوا زمین بکشر "برادر" چکسلواکی تجاوز و آن را
 اشغال کرد و دولت قانونی آنرا از دستگیر نمود. اتحاد شوروی برای توجیه این تجاوز و اشغال باین بهانه توسل جست که کویا "سوسیالیست"
 و "منافع کشورهای مشترک المنافع سوسیالیست" از داخل و خارج در معرض تهدید قرار گرفته و باید به نجات آن شتافت!
 شورویها خود میباشند که دروغ میگویند چون در آن زمان در چکسلواکی، مانند روسیه، سوسیالیسم نبود که در معرض تهدید بود
 واقع شود. نفوذ ریزین میسر در رهبران حزب و دولت چکسلواکی این کشور را بصورت یک کشور سرمایه داری وابسته در آورد و یهود و هیس را
 چکسلواکی فقط تلاش میکردند خود را از وابستگی به روسیه برهانند. روسها که نتوانستند شاه را از دست رفتن بخشی از امپراطوری خود با نند
 با اشغال این کشور ببرد و اختند و بعد اشغال خود را با "شوری" حاکمیت محدود کشورهای سوسیالیستی" تکمیل کردند که در واقع چیزی
 جز توجیه مظاهر امپریالیستی نبود.

خلق های چکسلواکی در برابر این تجاوز آشکار و ناروا بمقاومت برخاستند ولی رهبران ریزین نیست آنها و آنها را به مسالمت و تسلیم
 دعوت کردند.
 اتحاد شوروی پس از اشغال کشور دولت دست نشانده فای بر سر کار آورد و همه رهبران و اعضای مخالف را از حزب و دولت اخراج
 کرد و با سپردن امور بدست خد متکرران وفادار خود و سپس با وابسته ساختن چکسلواکی در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی و نظامی
 این کشور را به نیمه مستعمره خود مدخل ساخت.

ارتش شوروی میبایست پس از "عادی شدن وضع" به اشغال خود حاتم دهد ولی اکنون ده سال میگذرد و چکسلواکی همچنان
 در اشغال ارتش شوروی است، کویا "وضع هنوز عادی" نشده است و در واقع هم نمیتواند عادی شود چون خلق چکسلواکی هیچگاه با
 هجوم ارتش بیگانه نمیکشود و سر بر نگاری نداشته و در تمام دوران ده ساله مبارزه نظریه اشغالگران با شکل مختلف ادامه داد و ماست و همیس
 مبارزه است که حضور ارتش اشغالگر را اجاب میکند.

زمانی خلق چکسلواکی در جنگ خونین فاشیسم هیتلری گرفتار بود، ارتش برح شوروی با در هم شکستن نیروی نظامی هیتلر کسام
 به گسام پیوسته بدون پیش رفت و بر سر راه خود خلق چکسلواکی را از یوغ فاشیسم رهائی بخشید. در آن زمان خلق چکسلواکی از ارتش سرخ
 بمنابز ارتش نجات بخش استقبال کرد و با آغوش باز آنرا پذیرفت. اکنون سوسیال امپریالیسم روس جای فاشیسم هیتلری را اشغال کرده و
 آزادی و استقلال خلقهای چکسلواکی را برود و بصورت ارتش اشغالگر در آمد ماست و خلق چکسلواکی نمیتواند برای مبارزه با اشغالگر جز
 قلی آکده از خشم و کینه داشته باشد.

ده سال پیش شعارهایی که میزیم بر دیوارهای پراک وحشی پروری بانکهای ارتش شوروی نوشتند چنین بود:
 "بدر آزاد بیخشم، پسر اشغالگر"
 روسها بیخانه های تان برگردید! ما او را بیوم ند آریم!
 امروزین شک کبیله این شعارها بخت خود باقی است.

قیام مردم در امانه دار

پس از تظاهرات وسیع مردم در اصفهان که بر اثر پرورش نیروهای انتظامی تعد از بیانی کشته و زخمی بر حاکم است، تظاهرات دیگر
 در شیراز و جهرم صورت گرفته که بازم از رنگار گلونه های نیروهای انتظامی در امان نماند. بدنیال این تظاهرات، خود اشی در تهران
 روی داد و بیخبر این تبار زد و ام خواهد یافت.

شاه و نوکرانش کوش جهانیان را کر کرد ناند که اشران کویا از "فضای باز سیاسی" برخوردار است و اجتماعات و تظاهرات آزاد است
 اما در عمل چنانکه مشهور است در هتجان برایشته سابق میگردد و تظاهرات شاه و زمامد از آن رژیم جز دروغ و عوامفریبی بخاطر فرو
 نشاندن جنبش انقلابی مردم نیست.

شاه و قدرتمندانه تهدید میکند که چنانچه تظاهرات ادامه یابد در سراسر کشور حکومت نظامی برقرار خواهد کرد چنانکه هم اکنون در
 اصفهان و نقاط دیگر برقرار کرده است. این مزدک ابله گویا نمیداند و نمی بیند که قیام مردم واکنش طبیعی آنها در برابر شیوه های
 و احتیاج فاشیستی است. مثل اینکه با بر فزاری حکومت نظامی میتوان قیام تود مهارا فرترساند، مثل اینکه آنچه راکه خون محضول
 ترو و احتیاجی آیت میتوان با ترو و احتیاج از بین برد.

قیام مردم علاوه بر دست خود بیسته شدت بیشتری مییابد. استقامت و پایداری "بهرمانانه" آنها در برابر خود را کمکی شاف نشاند
 روشنی است بر آنکه توده های خلق این رژیم فاسد و خائن، آدمکش و خد متکرار امپریالیسم را دیگر تحمل نخواهد کرد.

مرگ پادشاه و دودمان فاسد و ننگین پهلوی!

اظهاریه هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

د حزب رادار زمینه اید ثلوثیك به سطح بدولتی كشانیدند واز موضع شونینیم ملت بزرگ به جمهوری تود نای چین برخوردار کردند؛ آنها برای توجیه قطع ککهای خود بد لای بیج وی معنی تراشیدند؛ اکنون رهبران چین خود چنین راهی رفتند. اختلافات توتوب را در زمینه اید ثلوثیك به سطح بدولتی كشانید موقتاً انتقالی حزب کار و دولت آلبانی را بد زیر پرده تروتسکیسم امپریالیستی سه دنیا بسا قطع ککهای خود پاسخ گویته و برای تراشیدن محلل ببهبانده اید منشیت شد فاند. آنها بدین ترتیب نشان دادند که از موضع خود رت بزرگ سخن میگویند و هر کس که بوغ تحمیلات آنها را بگردن نگیرد از کک آنها برخوردار نخواهد بود. کک چین اگر در کت شتیبانبه و بخاطر انقلاب جهانی بود اکنون بد دست رهبران چین به ابزار برای تحمیل نظرات و سیاست های روتینونیستی و ارتجاعی بروسیلنه برای تاسمین و تعمیق نفوذ در کشورهای یگرتبدیل شد فاست.

کک به مود توبرای صیانت او وحفظ استعمارنومین بدوزیر، یا یسینیبانی از شاه و آرایش رژیم سیامونگین او ویا "گرامانی" از این قبیل که از "نثوری سه دنیا" برومیخیزد و بدون شک مزدود است. اما مرد و رت ازینک رهبران چین با اقدامات ضد انقلابی خود در خلاف جهت سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا روانند. صدماتی که مشی روتینونیستی جدید بر رهبران چین به جنبش مارکسیستی-لنینیستی جهانی وارد آورده و وارد میآورد اگر از روتینونیسم خروخجف بیشتر نباشد کتلاز آن نیست.

هیئت مرکزی سازمان توفان کت خصانه رهبران چین را نسبت به جمهوری تود نای سوسیالیستی آلبانی با قاطعیت محکومیکند. هیئت مرکزی بر آنست که رهبران چین در سرانسیب روتینونیسم و شونینیم در نظریه فاند، شکاف میان آنها از کسو، پرولتاریا و خلق های انقلابی و انقلاب از سوی دیکریوستسه عمیقتر میشود و این واقعیتی است که مظاهر آن هر روز بیشتر چشم میخورد.

هیئت مرکزی
سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

مرداد ۱۳۵۷ = اوت ۱۹۷۸

رهبران چین در روز ۷ ژوئیه طی یادداشتی ککهای دولت سوسیالیستی آلبانی ارسال رانگشتند، برخلاف قواعد و موازین بین المللی تمام قرارداد های خود را یکجانبه لغو نمودند، همه ککهای اقتصادی و فنی خود را قطع کردند، ککبه کارشناسان خود را از آلبانی فراخواندند و با این اقدام خصمانه خود با اقتصاد و دفاع جمهوری سوسیالیستی تود نای آلبانی اقدامات بزرگی وارد آوردند. رهبران چین در کت شتیبان همین رفتار زنده را کاز جانکاب خروخجف و شرکایش نسبت به جمهوری تود نای چین ایتقال شد با قاطعیت محکوم کردند. رهبران کتونی چین در جای های خروخجف کام بر مید آرند و همین روشرا نسبت به آلبانی سوسیالیستی بکار میگیرند. رفتار رهبران چین نسبت به آلبانی سوسیالیستی کام تازه ای بد طریق پایمال کردن اصل انترناسیونالیسم پرولتاری و تروتسکیسم و ناگزیر مشی روتینونیستی منشی بر "نثوری سه دنیا" است. همکاری با امپریالیسم و ارتجاع هار در صحنه جهانی، روری گردانیدن از پرولتاریا و خلق های انقلابی تلاش غیبت و بیجاصل برای آشتی دادن استعمار شونندگان به استشار کنندگان و دیکتاتوری از انقلاب نمیتوانست کار را بر بی افتتافی به اصول مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری گشاند و گشاید.

قطع ککهای اقتصادی و فنی به آلبانی سوسیالیستی نا هیچ منطقی قابل توجیه نیست. دلائل رهبران چین برای توجیه اقدام ضد سوسیالیستی خود بغایت مست و بی پایه و دور ازغلط سلیم است و این خود میرساند که عمل رهبران چین فقط باین خاطر صورت گرفته که حزب کار و دولت آلبانی در برابر "نثوری سه دنیا" و سیاست خارجی ناشی از آن مقاومت بخرج داد، در زیر بار تحمیلات رهبران چین نرفته و بار دیگر سولین بار در برابر رهبران چین- از اصول مارکسیسم-لنینیسم وانتر-ناسیونالیسم پرولتاری از پرولتاریا و خلق های انقلابی قهرمانانه به دفاع برخاسته اند.

خروخجف و همد ستانند در کت شتیبان ککهای خود را به جمهوری تود نای چین قطع کردند بد دست بهین جهت که حزب کمونیست چین زیر بار مشی روتینونیستی آنها نرفت. آنها اختلاف

بورژوازی و مواد مخدر

اعتیاد چون دیکر بیماری های علاج با سذیر سیستم سرمایه داری، پایه هایش در جامعه طبقاتی و جامعه مست و استعمار سفته است. اعتیاد به مواد مخدر در واقع یکی از ابزارهای بورژوازی و طبقات حاکمه برای فروپاشیدن شعله های اشتراکیت و تروتسکیسم در میان خلق و بیوز پرولتاریا و جوانان می باشد. سوداگران مرگ توسط مواد مخدر ناغلب بر هویشاری و بدین سانم وروشن بین جوانان از آنان بهره عیانی رام بد دست خود می سازند، بورژوازی به قیمت مرگ و زندگی لذت بار تزجر کیننده معناد، بین به مواد مخدر آنها را از کوشش برای دست یابی به جواسته های سیاسی واجتماعی خود بد ورو ساخته و دیکتاتوری خود را اعمال می نماید. مسائل ارتبیطاط جمعی، آموزش نیرویوش، مواد مخدر، سرکوب و زندان و شکنجه... همه و همه در آنجهت بکار گرفته می شود که سلطه شوم بسو رزوازی انحصاری را بد بریا کرد و بدینوسیله انهدام سیستمی را که مسبب نام بد در هار و بیج ها و فقر و جنایت، بیکاری و کمرنگی می باشد بتعمیق اندازد.

مواد مخدر در کشورهای سرمایه داری روتینونیستی امروزه بصورت آتیک روتنهان، قانون و توتیر قانونی با سهولت بد دسترس می یابند، تعداد معتادین هر لحظه هتنگ رشید فزاینده می آرد در آمریکا، شوروی، کشورهای امپریالیستی غرب و ژاپن هر روز تعداد کیرتری از جوانان به ورطه هولناک اعتیاد در می غلیظند. مواد مخدر کیرتری از جوانان به ورطه هولناک اعتیاد در می غلیظند. مواد مخدر خنترنک ترین دشمن سلاتی و شادابی جوانان می باشد. در آمریکا بر اساس آمارهای رسمی بالغ بر نصد هزار نفر هویشی موجود می باشد در شهر بد توتیت حجاز و ازین شاه هزار معتاد به مواد مخدر روچود در بد یعنی به نسبت هرسی نفیکتر معتاد موجود است. همچنین ۱۰ تا ۱۵٪ از معتادین بد دست قورشان مواد مخدر در آمریکا در شهر نیویورک می باشند. در زمان جوانان استفاده از مواد مخدر به سرعت شیوع می یابد بطوریکه ۳۰٪ جوانان بین ۱۰ تا ۳۰ سال در جامعه آمریکا ماری جوانا و توتیشید مد اوما استفاده می کنند. تعداد مرگ و میر در رابطه با مصرف هر تین از ژوئیه ۱۹۷۳ تا ژوئن ۱۹۷۵ از ۳۳۳ تا ۱۲۴۵ نفر بالغ گرتید فاست. آمارهای فوق تنها منظره عمومی از واقعات هولناک جامعه منخط و میرنده سرمایه داری انحصاری را بد بردارد. کشورهای اروپایی غربی نیز کام سوداگران مرگ کشته که با شدت به یخش مواد مخدر در زمان جوانان اقدام می رورزند. نرهای کشورهای اروپایی به قلمرو باند های قاچاقچی هر تین، کک تین، ال ای بی و ماری جوانا تبدیل گرتید به متنبه در سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۷ از هزار قاچاقچی هر تین از نر آلمان وهلند کت شتیبان است. حال مرابن آمار میبایست هزاران هزار در ستفروزش خرد به با نیز افزوده کرد.

در سال ۱۹۷۶ تعداد مرگ و میر بر اثر استفاده مواد مخدر در آلمان ۲۵۰ نفر فزاند و ۵ نفر ایتالیا. دفتر بود و هر سال بر تعداد این قربانیان جامعه سرمایه داری نیز افزود فیکرد. در استرالیا بر اساس گزارشهای رسمی در تریسه ده ساله ۱۹۷۴ میزان مرگ و میر بر اثر مصرف الکل ۲۰٪ افزایش داشته بطوریکه در سال ۱۹۷۴ بالغ بر ۴۹۸ نفر کتید فاست. کشورهای روتینونیستی در دست رانها سوسیال امپریالیسم شوروی نیز رابین از همآورد خود امپریالیسم آمریکا عقب نماند فاست. گزارش بداد کاو عالی شوروی آشکار از کت تریاک در مناطق گرم شوروی که با اطلاع مقامات محلی نیز صورت میگیرد، خبر داده و همچنین از اینکه در منازل و بطور خصوصی خشین بعمل می آید اظهار اطلاع نموده است. در کاو مواد مخدر و غیر قانونی میبایست از مصرف الکل این محذ قانونی نیز بد شوروی یاد کرد. میزان مصرف سراته الکل که از زمان حکومت سیاه نزار مد او د روسیالیهای استقار سوسیالیسم رددی کا هنده داشته با احیا سرمایه داری در روسیه بار دیگر هتنگ فزاینده نای بخود گرفتاست. بطوریکه سوسیال امپریالیسم شوروی امروزه از نظر میزان سراته مصرف الکل در ده ساله ای کشورهای جهان آرا گرفتاست. همچنین فساد و روشه خواری ماموران مرگ در شهر شنگو امروزه کاتال مطش را برای شبکه های بین المللی قاچاق فراهم آورده است. بسیاری از

در حاشیه حوادث

منظور در گفتگوی با واد سزایی

مصاحبه مطبوعاتی شاه در روز ۲۸ مرداد مانند همیشه چیزی جز تحویل منشی دروغ و یاوه و جز تحریف حقایق و بالاخره مرقاب و تهدید نبود.

امروز در سراسر جهان هیچکس نیست که باعث و بانی کودتای شوم مرداد را نشناسد و بهندقی کودتا و کودتاگران بی تود فاست. مقامات رسمی و نیمه رسمی دولتها و سازمان سیا خود صریحا اعتراف کرد فاند که کودتا با دست سیا و با یول آمریکا بمنظور دست یافتن بقایع نفت ایران انجام گرفته است. اما شاه با وقاحت و دریدگی هفتگی خود بر آنست که گویا تود فغان مرتد به فغان مردمن که در روزهای پیش از کودتا مجسمه های او و پد رن را در میدانهای تهران سرنگون کردند. علیه مصدق بی خاستند و او را سرنگون کردند برای آنکه شاه فراری را بازگردانند. با برگشت شاه به سلطنت هم گویا یعنی آنست که کشور استقلال خود را باز یافت و صنایع نفت واقعا ملی شد؟! فقط باید محمدرضا و از دودمان پهلوی بود برای آنکه با این گستاخی حقایق را وارونه کرد.

مرگ و ظفروشی که تمام دستاورد های مبارزات خلق را برای طلی شدن صنعت نفت بر باد داد و با انعقاد قرارداد کسر سوم شرکهای بزرگ نفتی جهان را بر این شروت برارزشنا مسلط گردانید خود را قهرمان ملی شدن صنعت نفت می شناساند.

مرگ و ظفروشی که حافظ استعمار نوین و مابشر امپریالیسم آمریکا است خود را قلمن آزادی و استقلال ایران می شمارد و شما میگوید که گویا اگر او نبود، ایران اکنون "ایرانستان" بود و منظور او لایب اینست که اگر او نبود ایران بصورت یکی از مستعمرات سوسیال امپریالیسم در می آمد. اما همه کس میداند که شاه فقط عروسکی بد دست امپریالیسم آمریکا بود و هست، عروسکی که نقش تبدیل ایران را به زانده امپریالیسم آمریکا، به کشوری از ککبه جهات وابسته به امپریالیسم آمریکا بازی کرد و میکند. اگر ایران امروز "ایرانستان" نیست به برکت خدمتگزاران شاه، نیمه مستعمره آمریکا است. امروز ایران همانقدر فاقد آزادی و استقلال است و مردم آن همانقدر در محرومیت و عقب ماندگی همسایه بر میزند که اگر "ایرانستان" میشد و میبود. شاه در همین صاحبه چندین بار به آمریکا اطمینان داد که تا او هست و ارتش او هست ایران تحت استارت و بر دگی نواستعماری امپریالیسم آمریکا باقی خواهد ماند. اما این اطمینان نگرانی آمریکا را بر طرف نمیکند. واقعیت اینست که قیام مردم سراسر کشور را بد برگرت و هر روز برداشته آن می افزاید. شاه در اینجا هم میکوشد به عبت نگرانی محافل آمریکا را بر طرف سازد. او از یکسو ارتش روتینونند خود را بر یخ میکند که گویا قادر است هر جنبند های را بر جای خود بنشاند و از سوی دیگر قیام مردم را به فعالیت معدودی خرابکار محدود میکند و اهمیت و دامنه قیام و هدفهای آنرا بیج و بیج تبدیل مینماید. او اینطور مینماید که اکثریت عظیم مردم ایران بویزه "کارگران عزیز" که گویا روز ۲۸ مرداد را بمثابة روز قیام ملی جشن گرفت فاند درشت سروا ایستاد فاند!

او و سازمان امنیتش در عین حال به توطئه های توسل میجویند برای آنکه بیکار قهرمانانه خلق را سیاه و بدنام و تهدید ترور فاشیستی را توجیه کنند. شاه در مصاحبه خود گفت که او مردم را به تمدن بزرگ "فرامیخواند" و "اخلاقگران" را به "مشت بزرگ" شکست انگیز آنکه این "مشت بزرگ" بلافاصله به تحقق درآید و سخنگوی دولت فاجعه سیمای آبادان بقیه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سیاه و منفور کودتا!